

اثر محیط تحصیلی بر ناهنجاریها

دکتر رضا مظلومان

استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران

قسمت اول را شماره گذشته مطالعه فرمودید

دنباله مقاله را مطالعه فرمائید

۵ - اثر محیط تحصیلی بر ناهنجاریها

خطر دیگری که در محیط مدرسه برای کودکان وجود دارد از ناحیه اطرافیان و هم طرازان جدید است که با آنان معاشر، دوست و همبازی و همکلاس میشوند.

کودکانی که متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده، فاسد، منحرف باشند، بعلمت وجود محیط ناسطوبی که در آن زندگی میکنند با احتمال فراوان در معرض سقوط و انحراف قرار میگیرند و در نتیجه امکان سرود تادوستان و معاشران جدید را نیز بسوی گمراهی و ارتکاب اعمال ضداجتماعی بکشانند.

کودکی هر چند در اولین سالهای زندگی از یک پرورش و تربیت صحیح برخوردار شود، ولی در ابتدای ورود بمدرسه خود را با محیطی کاملاً تازه روبرو می‌بیند که اگر توجه کاسلی باو نشود و همانطور که گفته شد قدرت مطابقت و هماهنگی با محیط جدید در او تقویت نگردد، از یکطرف اسکان نامازگاری او سرود و از سوی دیگر بعلمت آنکه در این

محیط جدید پر جمعیت افراد مختلف در زیر یک سقف گرد هم جمع میشوند، رابطه و تماس کاسلا اجباری میگردد، بطوریکه هر قدر کودک میایل باشد که با دیگران تماس حاصل نکند، این امر تقریباً برای او میسر نمیشود، لذا همانطور که استانیو ولگنل لاواستین مینویسند کودک در معرض خطرات تلقین بد قرار میگیرد (۱۹).

بنابراین اعمال و رفتار منحرفان یا کسانی که در مرحله انحراف قرار گرفته‌اند و از هر جهت آمادگی سقوط دارند، در هم صحبتان و همدرسان تأثیر فراوان میگذارد و در تشکیل آنان نقشی بزرگ ایفاء میکنند.

خطر دیگر از ناحیه کودک کانی است که قادر نیستند خود را با محیط تحصیلی سازگاری دهند و یا وسایل لازم برای آنان فراهم نیست تا خود را هماهنگ سازند. این کودکان محققاً بر سایرین اثر میگذارند و در نامازگاری آینده آنان نقش عمده‌ای ایفا میکنند.

استانیو ولگنل لاواستین مینویسند که روانشناسی جمعی بخوبی بیان میکند که چگونه نمونه‌های بد و سرسشقه‌های نادرست توانسته است خیلی سریعتر از اعمال نیک و



شکاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رساله علمی علوم انسانی

رفتارهای صحیح در افراد نفوذ کند (۲).
کودک بطور تحقیق آنچه را که در مدرسه
فرا بگیرد ، در اجتماع عمل میکند ، چون
این محیط یادگیری بیشتر و کارآموزی است.
بنابراین خطریکه از این ناحیه او و اجتماع
را مورد تهدید قرار میدهد ، بسیار قابل
ملاحظه است .

۶- اثر مربی بر نابهنجارها

یکی از عوامل مهمی که باعث ناسازگاری
کودک با محیط تحصیلی میشود ، فقدان یک
مربی خوب و ورزیده در مدرسه است. اگر
مربیان خود از تعلیم و تربیت کامل و لازم
برخورداری نداشته باشند و نحوه رفتار صحیح
با کودکان را ندانند نه تنها در راهنمایی و
هدایت آنان برای انتخاب سوازیب عالی
اخلاقی و اعمال پسندیده اجتماعی و حفظ نظم
و مقررات نمیتوانند نقش ایفا نمایند و عنصری
سفید و مؤثر باشند تا شخصیت آنان را بر
اسلوبی بایسته و روشی شایسته پرورش دهند،
بلکه بعلت اعمال روشهای غلط و تعالیم
ناصواب ، نقش عامل پدید آورنده گرایشهای
نادرست را در نهاد آنان ایفا خواهند کرد .
چنین مربیانی ، کودکان را براههایی که
هرگز در صلاح افراد ، جامعه و خود کودک
نمیباشد ، سوق میدهند .

مربیان باید شاگردان خود را خوب
بشناسند و با هر کس رفتاری فراخور حال
و وضعیتش داشته باشند . اگر معلمی خوداز
عقدههای انباشته رنج ببرد و در نتیجه آن
بیماری با کودکان به بدخلقی و خشونت و
پرخاشگری بپردازد ، یا سخت گیریهای بیجا
و ناروا اعمال کند ، یا بدون آنکه به روحیه و
خصوصیات آنان آشنا شود گفتار و رفتاری
نادرست پیشه نماید ، یا در میان آنان دست
به تبعیضی بزند و وعدهای را بر برخی دیگر

برتری دهد ، باعث میشود که روح حساس
کودکان مورد صدمه قرارگیرد و در نتیجه از
آنان موجوداتی ناراحت ، غم زده و افسرده
آفریده شود و یا بطرف ناسازگاریهای مختلف
گرایش پیداکنند .

ژاسبورلن ، استفانی ولواسور سینویسند
که مربی باید دارای آنچنان شخصیتی باشد
و آنچنان اعتباری برای خود ایجاد نماید که
بخوبی قادر باشد نقش یک معلم دهنده بسیار
خوب را با موفقیت کامل ایفا نماید. (۲۱)
بنابراین نقش مربی در انطباق کودکان یا
عدم سازششان با محیط جدید بی نهایت مهم
و درخور کمال توجه است . کودک کانیکه
عوامل مختلف خانوادگی برای آنان ناراحتی-
های فراوان ایجاد کرده و در واقع مقدمات
عدم سازگاریشان را پایه ریزی نموده است،
هرگاه در محیط جدید هم با همان شرایط
ناسطوب خانوادگی روبرو شوند ، بر عقدهها
و رنجهای درونشان افزوده میشود . بهمین
جهت ممکن است در راهی قرارگیرند که
بعواقب بسیار ناسطوبی خاتمه بیابد و نتایج
شومی بیار آورد . در حالیکه اگر روش
صحیح و مدبرانه ای در محیط جدید عملی
شود تا حدود زیادی ، ناسازگاری آنان که
وابسته بعوامل گذشته یا خارج از محیط
تحصیلی است از میان سیرود و راه برای انطباق
با گروههای مختلف اجتماعی باز میگردد .

بدلایل فوق، مربیان نه تنها باید خالی
از هرگونه عقده و ناراحتی باشند بلکه باید
افرادی کاملاً آسوخته ، آگاه و آشنا بکلیه
مسائل اجتماعی ، تحصیلی و پرورشی باشند و
نحوه برخورد ، تماس ، گفتگو ، تدریس ،
راهنمایی و رفتار مناسب با هر یک از دانش-
آموزان را که دارای خصوصیات و اخلاق
متفاوتند کاملاً بدانند تا بتوانند در رفع



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

روانشناسی عمیق کودک واز تعلیم و تربیت
 وسیع و صحیح نیز برخوردار باشند تا بتوانند
 با همان دقتی که کلاس را اداره میکنند
 بازیهای آنان را نیز سازمان دهند و نظارت
 کنند تا بدین نحو وظیفه ای را که بعهد
 دارند با موفقیت انجام دهند. (۲۲)
 بر حسب یک پرسشنامه ای که روی ۲۰۲

مشکلات مختلف آنان ، ارشادهای لازم را
 سعی نمایند و آنان را در مبارزه با ناراحتیها
 یاری و کمک کنند .

استفانی ، لوسورو ژاسیورلن در همین
 مورد مینویسند که سربیان بهمان نسبت که
 کودکان را ارشاد میکنند و در اصلاح رفتار-
 هایشان کوشش بعمل میاورند باید خود از یک

نفر از بازرسان مدارس صورت گرفت ، ۸۹٪ از آنان بر مبنای مطالعات و تجارب معتقد بودند که مربیان مدارس ابتدائی و متوسطه باید از چنان معلوماتی برخوردار باشند که بتوانند علائم عدم سازگاری دانش‌آموزان را کشف کنند و علل آنها پی ببرند. (۲۳)

همانطور که استانیو و گنل لاواستین مینویسند (۲۴) ، متأسفانه در همه مدارس ، کلیه توجه مسئولان و گردانندگان امور تحصیلی روی درس و هوش و مخصوصاً حافظه دانش‌آموزان متمرکز میشود ، در حالیکه کوچکترین دلسوزی بپرورش اخلاقی و فکری ، دقتی در تقویت اراده ، کوششی در آفریدن عادات نیک و پسندیده و توجهی که در ایجاد منشهای قوی و ذوق و قریحه آنان از خود نشان نمیدهند و مشکلات و مسائل گوناگون آنان پدیدۀ بی‌اعتنایی مینگرند و این یکی از خطرات بزرگی است که کودکان را تهدید میکند.

۷- فرار از مدرسه و اثراتش بر ناپهنجاریها

یکی از انعکاسات نامطلوب روشهای غلطی که در محیط مدرسه اعمال میشود ، فرار کودک از آن و دست‌زدن به دوره‌گردی است که اولین گامش بطرف بزهکاری میباشد ، گرچه وظیفه اساسی مدرسه ، شکل دادن و ساختن کودک برای زندگانی اجتماعی آینده و دوره بلوغ است ولی اگر در اجرای وظیفه خود توفیق حاصل نکند و دچار شکست شود بی‌نهایت زیان‌آور است ، زیرا بر توسعه و گسترش بزهکاری میافزاید .

جرم‌شناسان معتقدند که بدون شک رابطه مدرسه با اعمال ضد اجتماعی بهمان حد رابطه خانواده با پدیدۀ جرم است ، چون فعالیت‌های

تحصیلی میتواند ، معین‌کننده و وابستگی کودکان با اشیاء رفتارهای بزهکارانه یا بالعکس کردارهای نیک و پسندیده اجتماعی باشد. (۲۵)

اگر محیط آموزشی مطلوب طبع کودک قرار نگیرد ، او برای نجات خود از قید آن بفرار روی می‌آورد و بدوره‌گردی می‌پردازد.

وثن و لثوته مینویسند که دانش‌آموزان جوان مدارس با ترك مدرسه و فرارهای پی‌در پی ، بداشتن زندگی و لگردی عادت میکنند و سرپیچی از نظم و مقررات و آداب محیط خو میگیرند . بهمین جهت خطر این افراد برای اجتماع زیاد خواهد بود زیرا از یک طرف فقدان تعلیم و تربیت و از سوی دیگر عادت بزندگی کردن در حاشیه مقررات و نظامات جامعه ، آنان را کاملاً ضد اجتماعی و ناسازگار باری می‌آورد (۲۶).

محققان جرم‌شناسی اثبات کرده‌اند که فرار از مدرسه و لگردی غالباً کودک را به منطقه تبهکاری سوق میدهد . فرار معمولاً پیش درآمد اعمال بزهکارانه مخصوصاً برخی دزدیهاست (۲۷) . در برخی گروههای جوانان بزهکار که تا مرحله دادگاه هم کشیده شده‌اند نسبت کسانی که بصورت عادت مدرسه را ترك نمیکرده‌اند به ۶٪ میرسد .

مطالعه دیگر نشان میدهد که ۴۰٪ از ۲۱۲ زندانی بعلت ترك مدرسه و دوره‌گردی بکانون اصلاح و تربیت فرستاده شده‌اند. (۲۸)

بر حسب بررسیهای فروم Fsum ، از ۱۴۸ مجرم بالغیکه تکرار جرم داشته‌اند ، ۲۳٪ اعمال تبهکارانه خود را از فرار از مدرسه و دوره‌گردی آغاز کرده بودند. (۲۹)

محقق دیگری مینویسد که ۶۱٪ از بزهکاران ۸ تا ۱۷ ساله از مدرسه روی-گردانده و دوره‌گردی را ترجیح داده‌اند. (۳۰)

بر حسب مطالعات مرکز و کرسون

بنابراین مشاهده میشود که عدم توفیق
 مربی در ایفای وظیفه خطیری که بمهده دارد
 تا چه حد باعث فرار کودکان از مدرسه
 و راندن شدن آنان بطرف دوره گردی و بالاخره
 انحراف و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی و
 بزهداری است .

Vaucresson ، ۲۳٪ از بزهداران جوان بطور
 بسیار نامرتب به مدرسه میرفته اند و فرار از
 مدرسه و ولگردی را بارها تکرار کرده بودند. (۳۱)
 ووئن و لثوته مینویسند که دو سوم از
 دزدان تکرار کننده جرم از کسانی بوده اند
 که بطور نامرتب بمدرسه میرفته اند. (۳۲)

- 1 Vouin et Léauté, «Droit Pénal et criminologie». P 60
- 2 - Ibid. P 61
- 3 - Stefani, Levasseur, Jambu - Merlin, «Criminologie et Science pénitentiaire». P 96
- 4 - Sutherland, «principes de criminologie». PP 220 - 221
- 5 - Seelig, «Traité de criminologie». PP 8 - 9
- 6 - Sutherland, ouv. cit P 220
- 7 - Ibid. P 218 8 - Ibid. P 221 9 - Ibid. P 218
- 10 - Vouin et Léauté, ouv. cit. PP 81 - 82 11 - Ibid. P 82
- 12 - Jambu-Merlin, «La Criminologie et Science pénitentiaire». P 119
- 13 - Larguier, «criminologie et science pénitentiaire». P 31
- 14 - Bouzat et pinatel, «Droit pénal et criminologie». P 325
- 15 - Debuyst, «criminels et valeurs vécues». P 224 16 - Ibid. P 224
- 17 - Ibid. P 225 18 - Bouzat et pinatel, ouv. cit. P 326
- 19 - Laignel - Lavastine et stanciu, «précis de criminologie». P 230
- 20 - Ibid. P 230
- 21 - Stefani, Levasseur, Jambu - Merlin, «Criminologie et science pénitentiaire». P 96 22 - Ibid. P 96
- 23 - Sulherland, ouv. cit. P 221
- 24 - Laignel - Lavastine et stanciu, ouv. cit. P 230
- 25 - Sutherland, ouv. cit. PP 218 - 219 - 221
- 26 - Vouin et Léauté, ouv. cit. P 82
- 27 - Sutherland, ouv. cit. P 220
- 28 - Ibid. P 220 29 - Ibid. P 220 30 - Ibid. PP 220 - 221
- 31 - Larguier, ouv. cit. P 31
- 32 - Vouin et Léauté, ouv. cit. P 329
- 33 - Ibid. PP 81 - 82